روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۳۷۴

سرمایه گذاری برای تولید

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
از نافرمانی خدا در خلوت‌ها پروا کنید که بیننده همان حاکم است.

■ اذان ظهر: ۱۲:۰۳ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۴۴
■ اذان مغرب: ۱۹:۰۳ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۷
■ اذان صبح فردا: ۳:۴۹ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۲۰

حافظ
دیدن روی تو را دیده جان‌بین باید
وین کجا مرتبه چشم جهان‌بین من است؟

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه: سیدمجتبی صادقی
■ معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■ دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی

جامعه:
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید موتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■ دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

عکس: همشهری / علیرضا طهماسبی

فخر خیابان فردوسی

ساختمان موزه بانک ملی با معماری متفاوت و چشمگیرش، راوی تاریخ مالی ایران معاصر است

فاطمه عباسی

پایین‌تر از میدان پرتردد فردوسی، پای پله‌هایی که درهای چوبی انتهایش یادگار چند دهه پیش است، ۲ شیر مسی رنگ به‌سمت خیابان گردن کشیده‌اند و به رفت‌وآمد خودروها و رهگذرها چشم دوخته‌اند. شیرهای سنگی مقابل ساختمان موزه بانک ملی، نماد نگهبانی ایمن از دارایی‌های سپرده‌گذاران در این بانک بوده‌اند و زنجیرهای قطوری که مقابل در، میان ۲ شیر سنگی روی سکوها نصب شده، نمایانگر حفاظت از اموال مشتری‌های بانک بوده است. پشت سر شیرهای سنگی، بنایی عظیم قرار دارد که با آن فرورفتگی‌ها و برآمدگی‌های لبه بام، هر بیننده‌ای را به یاد قلعه‌های مستحکم می‌اندازد؛ به‌خصوص که حکاکی مردان کمان‌به‌دوش و نیزه‌به‌دست، بخشی از ظاهر ساختمان را از آن خود کرده‌است. با عبور از در چرخان ورودی موزه، سالنی بزرگ نمایان می‌شود که سقف بلند و نور خیره‌کننده‌ای دارد. ویترین‌های شیشه‌ای موزه بانک ملی تا انتهای سالن شمالی آن پیش رفته‌اند. اسنادی که پشت ویترین‌ها به نمایش درآمده‌اند، ماجرای پیشنهاد تاسیس بانک ملی را بیش از ۱۳۰ سال به عقب برمی‌گردانند.

تاریخچه

مکث

بانک ملی ایران در ۱۷ شهریور ۱۳۰۷ هجری شمسی تاسیس و در ۲۰ شهریور همان سال طی مراسمی رسمی افتتاح شد. درست ۵ سال بعد از تاسیس بانک ملی، معماری آلمانی را از بین معماران مشهور آن روزگار برای احداث ساختمان بانک ملی انتخاب کردند. «هاینریش» در سال ۱۳۱۲ طراحی اولیه بنا را انجام داد و طرح او در مدت ۳ سال به‌طور کامل پیاده‌سازی و ساختمان صندوق پس‌انداز بانک ملی در سال ۱۳۱۵ تحویل مسئولان شد. در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی بانک ملی ایران اقدام به معرفی نوعی حساب به مردم ایران کرد که به صندوق پس‌انداز ملی شهرت یافت. افتتاح این حساب با استقبال مردمی مواجه شد و به‌این ترتیب ساختمان شعبه مرکزی آن با نام ساختمان صندوق پس‌انداز ملی سر زبان‌ها افتاد. این ساختمان تا سال ۱۳۳۳ هجری شمسی به‌عنوان تالار معاملات و ادارات مرکزی بانک شناخته می‌شد، تا اینکه بنای جدیدی مجاور آن به‌عنوان شعبه و ادارات مرکزی بانک تکمیل و بهره‌برداری شد. ساختمان صندوق پس‌انداز در تاریخ مهرماه سال ۱۳۷۹ هجری شمسی به شماره ۲۰۳۰ در میراث‌فرهنگی به ثبت رسید و براساس مصوبه شماره ۲۱۷۶ سال ۱۳۹۴ هجری شمسی هیأت‌مدیره بانک ملی ایران برای تاسیس موزه بانک درنظر گرفته شد. سپس با حمایت مدیرعامل بانک در ۲۱ تیرماه ۱۳۹۶ هجری شمسی پس از عملیات بازسازی و مرمت، مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

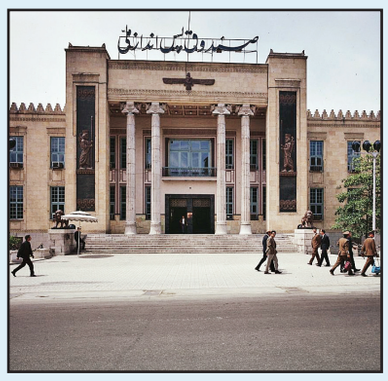

عکس یادگاری در موزه

ساختمان صندوق پس‌انداز بانک ملی امروز به موزه تبدیل شده و هرچه از ابتدای تاسیس بانک ملی در شعبه‌های آن به‌کار رفته یا به مجموعه آن اهدا شده، در فضای موزه در معرض دید گذاشته شده است. سالن میانی موزه با سقف بلند و نورگیرهایی که اشعه آفتاب را به داخل بنا می‌کشند، محل موردعلاقه بازدیدکنندگان برای تهیه عکس یادگاری در کنار ویترین‌ها و اشیای گران‌قیمت داخل آنها به‌حساب می‌آید.

اشیای قیمتی

در موزه بانک ملی ایران سکه‌های قدیمی ایران از دوره هخامنشیان تا دوران معاصر، دستگاه‌های مورداستفاده در بانک و سندهای مربوطه، اشیای اهدایی به بانک از سوی مؤسسات گوناگون ایرانی و خارجی، تابلوهای نقاشی دوره قاجار و نقاشی چهره مدیران کل سابق بانک، نمونه‌هایی از آثار چاپی چاپخانه بانک ملی ایران و... به نمایش درآمده‌اند.

راه‌های رسیدن به موزه

اگر دوست دارید ساختمان موزه بانک ملی ایران و اشیای آن را ببینید، باید به خیابان فردوسی تهران بروید تا دقیقا روبه‌روی سفارت آلمان موزه بانک ملی را ببینید. ازآنجاکه این موزه در محدوده طرح ترافیک است و به سبب موقعیت استراتژیک خود جای پارک زیادی ندارد، خوب است با مترو یا بی‌آرتی خودتان را به موزه بانک ملی یا خزانه بانک ملی برسانید. برای این کار با بی‌آرتی تا میدان فردوسی بیایید و بقیه راه را پیاده یا با تاکسی طی کنید. متروی سعدی نیز با ۵۰۰ متر پیاده‌روی شما را به موزه بانک ملی ایران می‌رساند.

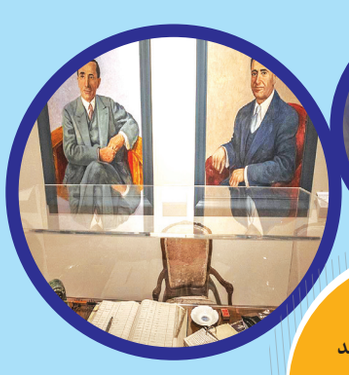

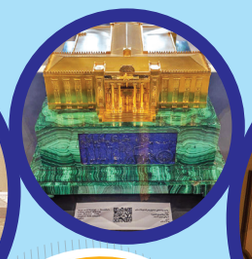

تالار اصلی با سقف بلند و همچنین نورگیرهای عمودی دیوارها، فضای ساختمان‌های باروک اروپا را یادآوری می‌کنند

معماری

مکث

ساختمان صندوق پس‌انداز بانک ملی نخستین تلاش برای تلفیق معماری باستانی ایران و معماری اروپا را نشان می‌دهد و شاخص‌ترین نمونه در نوع خود به شمار می‌رود. مجسمه‌های شیر که در ورودی ساختمان قرار دارند، توسط غلامرضا رحیم‌زاده ارژنگ، مجسمه‌ساز ایرانی ساخته شده‌اند. بنای اولیه این ساختمان به‌شکل آ الفبای انگلیسی بود که بعدها ۲ بازو به انتهای شمالی و جنوبی ساختمان افزوده شد. نمای ساختمان دوطبقه موزه دارای ویژگی‌های آشکار معماری هخامنشی است و ورودی اصلی بنا نسبت به کل نما، حجمی بیرون‌زده و کمی بلندتر دارد. نمای ساختمان از جنس سنگ است و ازاره‌های سنگی ناهمرنگی آن را احاطه کرده‌اند. همچنین ازاره‌های مرمری در بخش ورودی، نزدیک به ۲ متر ارتفاع دارند. در ورودی بنا، ۴ ستون عظیم سنگی با سرستون‌های گاوشاخدار دیده می‌شود که از سرستون‌های تخت‌جمشید و کاخ شوش الهام گرفته شده‌اند؛ درحالی که تالار اصلی با سقف بلند و همچنین نورگیرهای عمودی دیوارها، فضای ساختمان‌های باروک اروپا را یادآوری می‌کنند. شیارها و باریکه‌های روی ستون‌های نما چشم بیننده را به‌سمت بالا راهنمایی می‌کنند؛ جایی که نشان فروهر به درازای ۵ متر با ۲ نوار از گل‌های زیبای هخامنشی تزیین شده است. کمی پایین‌تر ۲ سرباز هخامنشی در مقابل یکدیگر به چشم می‌خورند که نشان می‌دهند مردانی در اینجا از مال و دارایی مردم نگهبانی می‌کنند.

این محله...

شیخ هادی محله‌ای آزادی‌خواه

سیدسروش طباطبایی‌پور

اعتبار برخی محله‌ها به در، دیوار، مسجد، مدرسه، موزه و بناهای آن است، اما برخی محله‌ها را مردمان نامی‌اش، سر زبان‌ها انداخته‌اند. محله شیخ هادی در تهران، یکی از این محله‌هاست؛ محله‌ای که به احترام «شیخ هادی نجم‌آبادی»، یکی از علمای مشروطه‌خواه و به‌خاطر مقبره او در این محله به محله شیخ هادی شهرت یافت. در اینجا گشتی در محله شیخ هادی خواهیم زد و از رازها و رمزهایش سر در خواهیم آورد.

شیخ هادی که بود؟

یکی از کسانی که در دوره مشروطه، مردم را با آزادی‌خواهی و اندیشه‌های ضداستبدادی آشنا کرد، شیخ هادی نجم‌آبادی بود. زندگی این روحانی بزرگ تنها به زادگاهش در روستای نجم‌آباد محدود نشد و پس از تحصیل علم از علمایی مانند شیخ مرتضی انصاری، صاحب کتاب جواهر به کشور بازگشت و تا آخرین روزهای عمر، برای پیروزی جنبش آزادی‌خواهی مردم ایران تلاش کرد. او بسیار مردمدار و خیرخواه بود و در ساخت برخی از مدارس مدرن رشدیه، بیمارستان‌هایی مثل بیمارستان امیراعلم، تعدادی حمام و دیگر مراکز عمومی نقش داشت.

خانه و مقبره شیخ هادی

برخی معتقدند خانه شیخ‌هادی نجم‌آبادی در خیابان شیخ‌هادی، جایی مابین بن‌بست هما و خیابان عسکر، یکی از سیاسی‌ترین و ممنوع‌ترین سخنان دوران مشروطه را شنیده است. چون زیر سقف این خانه قدیمی، بزرگانی چون علی اکبر دهخدا، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و جهانگیرخان صوراسرافیل رفت‌وآمد می‌کردند.

او تا روزهای آخر عمر در همین خانه بود و در سال ۱۲۸۱ شمسی، یعنی چند سال قبل از پیروزی انقلاب مشروطه، درگذشت و در همین خانه به خاک سپرده شد. این روزها پس از آنکه از در چوبی این خانه قجری عبور می‌کنی، به اتاق‌هایی با وسعت ۱۴۰ مترمربع می‌رسی که دور یک حیاط مرکزی قرار گرفته‌اند و با طاق‌های گنبدی‌شکل و سقف‌هایی بلند در زمینی به وسعت ۵۰۰ مترمربع همچنان خودنمایی می‌کنند.

خانه مقدم

یکی از بناهای تاریخی و سرحال محله شیخ‌هادی، خانه‌موزه مقدم است؛ خانه‌ای که متعلق به محمدتقی‌خان احتساب‌الملک، یکی از درباریان قاجار است و آن را پسرش، محسن مقدم، بازسازی و تبدیل به موزه کرد. مقدم در اروپا، تاریخ هنر و باستان‌شناسی خوانده و از استادان برجسته دانشگاه تهران بود. او خانه پدری را در محله شیخ هادی بازسازی و به شیوه‌ای هنرمندانه آثار و اشیای تاریخی را در آنجا جمع کرد و برای بازدید در اختیار عموم قرار داد.

مدرسه هدف یعنی هنر، دانش و فرهنگ

یکی از مدارس قدیمی و ریشه‌دار در حوالی شیخ هادی، مدرسه هدف پسران شماره ۱ بود که به همت احمد بیرشک و گروه فرهنگی هدف در سال ۱۳۳۰ شمسی تاسیس شد؛ مدرسه‌ای که هر سال بیش از ۱۰۰۰ نفر دانش‌آموز داشت و پس از انقلاب، به مدرسه علامه مجلسی تغییر نام داد. کلاس‌های استاندارد، حیاط بزرگ، آزمایشگاه و کارگاه مجهز، کتابخانه غنی و البته درخت‌های کاج قدیمی، از شاخصه‌های این مدرسه خوشنام بود، اما به اعتراف دانش‌آموزان این مدرسه، کادر مجرب و معلمان دلسوز این مدرسه قدیمی، برگ برنده روزهای درخشان این مرکز آموزشی بود. در اوایل دهه ۹۰ شمسی، ساختمان این مدرسه با همه خاطره‌های خوبش تخریب شد و حالا چند سالی است به ۲ مدرسه تبدیل شده است.

این روزهایش

محله شیخ هادی، اکنون از شمال به خیابان جمهوری، از شرق به خیابان حافظ، از غرب به خیابان ولیعصر و از جنوب به خیابان امام خمینی محدود می‌شود، اما در گذشته، جنوبی‌ترین بخش آن، به خیابان ابوسعید هم می‌رسید. این محله قدیمی، همراه با مغازه‌ها، کوچه‌ها و مردمان باصفایش، حالا یکی از محله‌های اصیل تهران است.

تهرانگرام

مسجدی با ۲ محراب

معمارباشی دربار حدود ۱۴۰ سال قبل مسجد و مدرسه‌ای در محدوده تهران قدیم بنا کرد که هنوز معماری فاخر و چشمنواز آن بر سر زبانهاست. حاج ابوالحسن اصفهانی که در دوره قاجار منصب معمارباشی و لقب صنیع‌الملک را داشت، بانی این مسجد و مدرسه است. نام مسجد و مدرسه معمارباشی با توجه به منصب او انتخاب شده و شهرت پیدا کرده است. مسجد و مدرسه ابوالحسن معمارباشی، جنب کوچه امامزاده یحیی (ع) واقع شده است. ویژگی اختصاصی این مسجد، داشتن ۲ محراب است. در مسجد و مدرسه معمارباشی ۲ محراب به فاصله ۵ متر از یکدیگر قرار دارند و این موضوع مسجد معمارباشی را خاص‌تر کرده است. این محراب‌ها ساده و مستطیل شکل و نیم هشت و در فرورفتگی طاق‌نما ایجاد شدند. جالب است بدانید تنها کتیبه مسجد و مدرسه، لوح سنگی وقف‌نامه در سر در ضلع شرقی بناست که در سال ۱۲۶۵ به خط نستعلیق روی سنگ حجاری شده است. کاتب لوح سنگی محمد ابراهیم تهرانی مشهور به «میرزا عمو» است. همچنین معماری ساختاری مسجد و مدرسه برعهده حاج ابوالحسن معمارباشی بود و در کنار نام خطاط، نام سازنده کتیبه استاد ابوالرسول حجار هم ذکر شده است.

علاوه بر ویژگی‌های معماری مسجد، روزگاری میرزا کوچک‌خان جنگلی در این مدرسه طلبه بود و درس طلبگی می‌خواند. از طرف دیگر، نخستین راهپیمایی مشروطیت از روبه‌روی این مدرسه آغاز شد.

تهران مصور

نخستین اردوگاه ورزشی ایران

آنطور که در منابع تاریخی معتبر آمده، باغ منظریه را حسام‌السلطنه در بهترین مکان شمیران ایجاد کرد و عمارت باشکوهی داخل باغ ساخت که بعد از مرگ او، دخترش آن را به ارث برد. منظریه که امروز یکی از محله‌های خوش آب و هوای تهران است در دوره قاجار یکی از آبادی‌های شمیران و تفرجگاه اصلی پادشاهان قاجاری بود. ناصرالدین شاه که علاقه خاصی به گشت‌وگذار داشت، در سال ۱۲۶۰ شمسی به سلطان مراد میرزا معروف به حسام‌السلطنه، پسر عباس میرزا ولیعهد و از امرای ارتش، دستور داد عمارت باشکوهی در اراضی منظریه ایجاد کند تا به تفرجگاه اصلی درباری‌ها تبدیل شود. حسام‌السلطنه بنای عظیمی در میان انبوه باغ‌های منظریه ساخت که بعدها به عمارت منظریه معروف شد. او این عمارت باشکوه را در یکی از باغ‌های منظریه ساخت و این مکان به تفرجگاه ناصرالدین شاه و همراهانش تبدیل شد. بعد از انقراض حکومت قاجار، باغ منظریه به تملک دولت درآمد و کارکرد تازه‌ای پیدا کرد. در سال ۱۳۱۴ شمسی، این باغ از طرف وزارت فرهنگ پهلوی اول اجاره شد و در اختیار سازمان ملی پیشاهنگی قرار گرفت تا برای برپایی اردوگاه‌های جوانان مورد استفاده قرار بگیرد. مدتی بعد «انجمن ملی تربیت‌بدنی» در یکی از ساختمان‌های باغ منظریه مستقر شد و با موافقت وزارت فرهنگ، مدیریت استخر باغ و آموزش شنا به دانش‌آموزان را در دست گرفت. بعد از این ماجراها، تیم‌های ورزشی مدارس در باغ منظریه اردوهای ورزشی برپا کردند و باغ منظریه به اردوگاه منظریه تغییر ماهیت داد. باغ منظریه امروز تحت عنوان «مجتمع فرهنگی» فعالیت می‌کند و جایی برای برپایی اردوهای دانش‌آموزی و برگزاری جشنواره، نمایشگاه و همایش‌های فرهنگی و ورزشی به شمار می‌رود و عمارت قدیمی هم حکم ساختمان مرکزی را دارد.

بعد از انقراض حکومت قاجار، باغ منظریه به تملک دولت درآمد و کارکرد تازه‌ای پیدا کرد. در سال ۱۳۱۴ شمسی، این باغ از طرف وزارت فرهنگ پهلوی اول اجاره شد و در اختیار سازمان ملی پیشاهنگی قرار گرفت تا برای برپایی اردوگاه‌های جوانان مورد استفاده قرار بگیرد مدتی بعد «انجمن ملی تربیت‌بدنی» در یکی از ساختمان‌های باغ منظریه مستقر شد و با موافقت وزارت فرهنگ، مدیریت استخر باغ و آموزش شنا به دانش‌آموزان را در دست گرفت